

فارسی و نگارش (۲)

۱-

(ابراهیم رضایی مفرم، لغت، ترکیبی)

معنی درست واژه‌هایی که نادرست معنی شده است:

گیهان: گیهان، جهان، گیتی / نفیر: صدای بلند، فریاد / ترگ: کلاه خود

۲-

(هسین پرهیزگار، لغت، ترکیبی)

راهوار: آنچه دارای حرکت با شتاب ولی نرم و روان باشد.

۳-

(مهمربوار قورچیان، املا، ترکیبی)

شکل صحیح املایی در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: مهتر

گزینه «۲»: بهر

گزینه «۳»: دوزخ

۴-

(هسین پرهیزگار، املا، ترکیبی)

در این گزینه در هر دو مورد مرهم داروی التیام‌بخش است.

املایی صحیح واژه‌ها در گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: علم، علم

گزینه «۲»: عرش، عرش

گزینه «۴»: خار، خار

۵-

(مهمربوار قورچیان، آرایه، مشابه صفحه ۹۵)

آرایه تشبیه در سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: چشم به پاسبان تشبیه شده است.

گزینه «۳»: خوان جهان: اضافه تشبیهی

گزینه «۴»: بستان جان: اضافه تشبیهی

۶-

(اسماعیل تشیعی، آرایه، ترکیبی)

تضاد: کوتاه - دراز

واج آرایه‌ی صامت‌های (س، ر، ت، ز) تکرار شده اند.

حسن تعلیل: سرو به‌خاطر درازدستی، بی‌ثمر است (علت بی‌ثمری: درازدستی)

تشخیص: درازدست بودن سرو

۷-

(مهمربوار قورچیان، آرایه، مشابه صفحه ۹۵)

خارهای مگیلان مانند حریر هستند، متناقض‌نما (پارادوکس) دارد.

۸-

(ابراهیم رضایی مفرم، آرایه، ترکیبی)

کنایه: دل دو نیم داشتن (در رنج و عذاب بودن) / از گرم و سردی نان دو پوست پرسیدن

(به فکر شکم خود بودن، به فکر منافع شخصی خود بودن)

حس آمیزی: ندارد

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: اغراق: اشک از زیادی و فراوانی به دریا خنده زد (اشک از آب دریا بیشتر بود)

- تشخیص: اشک خنده زد / زلف ناز می‌کند.

گزینه «۲»: جناس تام: لب - لب / جناس ناقص: آهی - چاهی

گزینه «۳»: تناقض: زیبا دیدن زشت / استعاره: این آینه ← دل

۹-

(اسماعیل گنجه‌ای، آرایه، ترکیبی)

تشریح ابیات:

الف) «زهره» و «زهره» جناس دارد.

ج) «سر نهادن چرخ» تشخیص دارد.

د) «شور»، «خسرو» و «شیرین» هر سه ایهام تناسب دارند.

ب) «بار سر»: اضافه تشبیهی

۱۰-

(حسن پاسیار، دستور، صفحه ۹۴ و ۹۵)

بیت الف ← پراکنده: صفت مفعولی / بیت د ← خرامان: صفت فاعلی

بیت ب ← بلند اختر: صفت مطلق / بیت ج ← پشمین: صفت نسبی

۱۱-

(اسماعیل تشیعی، دستور، صفحه ۱۰۶)

واژه‌های گزینۀ «۴» همگی معنای قدیم را حفظ کرده‌اند و معنای تازه هم پذیرفته‌اند به جز دستار که متروک شده است. سیر: ۱- وسیله دفاع ۲- سپر خودرو - رکاب: ۱- رکاب اسب ۲- رکاب ماشین و دوچرخه - یخچال: ۱- محل جمع‌آوری برف و یخ در کوهستان ۲- نام وسیله‌ای برقی در آشپزخانه - زین: ۱- زین اسب و ۲- زین دوچرخه و موتور و ... اما دستار از واژه‌هایی است که از فهرست واژگان زبان فارسی حذف شده (فقط در متون کهن یافت می‌شود).

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

واژه‌های گزینۀ «۱» همگی متروک شده‌اند.

واژه‌های گزینۀ «۲» معنای پیشین را از دست داده و معنای تازه پذیرفته‌اند.

واژه‌های گزینۀ «۳» با همان معنای قدیمی ادامه حیات داده‌اند. (هنوز کاربرد دارند).

۱۲-

(حسن پاسبان، دستور، ترکیبی)

در گزینۀ «۳» واژه، درد، نقش نهادی دارد و «مونس» نقش مسند. منادا محذوف است. (ای کسی که درد تو، درمان من در بستر ناکامی است).

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینۀ «۱»: رندی: مضاف‌الیه / راه: نهاد (چون نیست فعل غیراسنادی است).

گزینۀ «۲»: گل: مسند / حالیا: قید

گزینۀ «۴»: درویش: صفت / پروایی: نهاد (نیست در معنای وجود ندارد (غیر اسنادی))

۱۳-

(هسین پرهیزگار، مفهوم، مشابه صفحه ۱۰۶)

در این گزینه هنر در معنای «خاصیت» به کار رفته است.

در گزینه‌های دیگر به معنای فضیلت، استعداد و لیاقت است.

۱۴-

(سعید یغفری، مفهوم، صفحه ۱۰۸)

بیت سؤال و گزینۀ «۲» اشاره به این دارد که افزون بر زور بازو و استعداد ذاتی، علم کار نیز نیاز است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینۀ «۱»: برتری دانش بر زیبایی چهره

گزینۀ «۲»: وجود کاستی در زور بازو و هنر مخاطب

گزینۀ «۴»: دانش در هر جایی ارزشمند است.

۱۵-

(ابراهیم رضایی‌مقدم، مفهوم، صفحه ۱۰۳)

مفهوم گزینۀ «۳» «شکایت نکردن از روزگار» و مفهوم گزینۀ‌های «۱»، «۲» و «۴» «بدبختی اهل هنر یا به مقام والا رسیدن افراد بی هنر و پست و ظالم» است.

۱۶-

(ابراهیم رضایی‌مقدم، مفهوم، صفحه ۱۰۳ و ۱۰۵)

مفهوم «ترس» از بیت «د»: به ناچار پیر و جوان استشهد نام را تأیید کردند.

مفهوم «شهامت» از بیت «الف»: هرگز از پادشاه نمی‌ترسم.

مفهوم «دعوت به مبارزه»: از بیت «ب» با خروش و فریاد مردم را به عدالت‌خواهی دعوت کرد.

مفهوم «اتحاد»: از بیت «ج» مردم جهان (مردم زیاد) اطراف مرد پهلوان (مردگرد) جمع شدند و به دنبال او می‌رفتند.

۱۷-

(اسماعیل تشیعی، مفهوم، مشابه صفحه ۱۰۷)

ابیات «ج و ه»، هر دو به زمینه ملی و میهنی حماسه اشاره دارند. (پرچم کاویان / رسم و راه شاه ایران) ابیات «ب و د» هر دو به زمینه قهرمانی حماسه اشاره دارند. (زنی چون گرد نامدار: گرد آفرید) و گودرز و طوس (فرماندهان سپاه ایران)

بیت «الف»، علاوه بر وجود قهرمانان در بیت به زمینه خرق عادت اشاره دارد. (نام سیمرغ)

۱۸-

(مهمربوار قورچیان، مفهوم، صفحه ۹۳)

ابیات گزینۀ‌های «۱»، «۲» و «۴» به بلاجو بودن عاشق حقیقی اشاره دارند. در حالیکه مفهوم گزینۀ «۳» رازداری عاشقانه است.

۱۹-

(اسماعیل کنه‌ای، مفهوم، صفحه ۸۹)

در بیت گزینۀ «۳» عاشق از سرزنش و بی‌مهری معشوق گله و شکایت می‌کند. در حالی که بیت سؤال و گزینۀ‌های «۱»، «۲» و «۴» به بی‌توجهی به سختی‌ها و سرزنش‌ها اشاره دارند.

۲۰-

(مهمربوار قورچیان، مفهوم، صفحه ۹۳)

بیت صورت سؤال و ابیات گزینۀ‌های «۱»، «۳» و «۴» به تسبیح همگانی موجودات اشاره دارند، ولی در بیت گزینۀ «۲» شاعر به گونه‌ای خداوند را تسبیح و ستایش می‌کند.



عربی (زبان قرآن (۲))

۲۱-

(قالر مشیرپناهی، ترجمه، صفحه ۴۷)

«عَلَى كُلِّ مَثَلٍ» هر یک (هر کدام) از ما باید ... / «أَنْ يَعْلَمَ» بداند / «أَنْ تَبَادَلَ الْمَفْرَدَاتِ» که تبادل (رد و بدل کردن) واژه‌ها / «بَيْنَ اللُّغَاتِ» میان زبان‌ها / «أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ» ترکیب وصفی (نکره): «امری طبیعی است، ... یک امر طبیعی است ...» / «يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً» که آنها را غنی می‌سازد

۲۲-

(قالر مشیرپناهی، ترجمه، صفحه ۴۶)

«مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ» ترکیب وصفی (نکره): «لغت‌نامه‌ای مشهور» / «تَضُمُّ» دربرمی‌گیرد، شامل می‌شود / «مُفْرَدَاتٌ كَثِيرَةٌ» (ترکیب وصفی نکره): «واژگان زیادی (واژگانی زیاد)» / «لَهُ دَوْرٌ عَظِيمٌ»: نقش بزرگی (نقشی بزرگ) دارد / «دِرَاسَاتُ الْعُلَمَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ»: پژوهش‌های (تحقیقات) مختلف دانشمندان

۲۳-

(درویشعلی ابراهیمی، ترجمه، صفحه ۶۲ و ۶۳)

«الیوم»: امروز / «أَقُولُ»: می‌گویم، سخن می‌گویم / «لِکُمْ»: برای شما / «عِنَ»: دربار، در مورد / «الکذَّابُ»: بسیار دروغگو / «أَلَذِي»: که / «أَصْبَحَ»: شد، گردید / «فَرِيسَةَ»: شکار، طعمه / «مَاتَ»: مُرد، فوت کرد / «بِالْعَرَقِ»: با غرق شدن / «مَا أَنْقَذَ»: (در این‌جا) نجات ندادند.

۲۴-

(مبیر همایی، تعویب، صفحه ۶۲)

در یکی از روزها: «فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ» / جوان شایسته‌ای: «شَابٌ صَالِحٌ» / در دریا: «فِي الْبَحْرِ» / شنا می‌کرد: «كَانَ ... يَسِيحُ»

۲۵-

(بهزار پنهانپوش، تعویب، صفحه ۳۹)

زمانی که اسم نکره‌ای در جمله‌ای بیاید و همان اسم در جمله بعد به صورت «ال» دار بیاید باید با (این یا آن) ترجمه شود.  
با توجه به نکته فوق گزینه‌های «۱» و «۳» به‌خاطر آمدن اسم اشاره و نکره آمدن «تَلَامِيذٌ» در بار دوم نادرست‌اند. در گزینه «۴» نیز «الدُّرُوسُ» نادرست است.

۲۶-

(مریم آقباری، مفهوم، صفحه‌های ۵۰، ۵۲ و ۶۳)

ترجمه عبارت گزینه «۴»: «دانشمندی که از علمش سود برده می‌شود، بهتر از هزار عابد است.»  
واضح است که با بیت مقابل خود تناسب مفهوم ندارد.  
**ترجمه گزینه‌های دیگر:**  
گزینه‌ی «۱»: «باده‌ها می‌وزند به سمتی که کشتی‌ها تمایل ندارند.  
گزینه‌ی «۲»: «بهترین کلام آن چیزی است که کم باشد و دلالت کند.  
گزینه‌ی «۳»: «کسی چیزی را پنهان نکرد مگر این‌که در تمام صورتش (همه جای چهره‌اش) نمایان شد.»

۲۷-

(مریم آقباری، لغت، صفحه ۵۷)

«سِنٌّ» به معنی «دندان» است که جمع آن به صورت «أَسْنَانٌ» درست است.  
دَقَّتْ كَنِيْدَ «سَنَوَاتٍ» جمع «سَنَةٍ» (سال) است.  
**ترجمه گزینه‌های دیگر:**  
گزینه‌ی «۱»: «روستا ← روستاها  
گزینه‌ی «۳»: «دهان ← دهان‌ها  
گزینه‌ی «۴»: «بال ← بال‌ها

۲۸-

(بهزار پنهانپوش، قواعد و ترجمه، صفحه ۳۹ و ۵۰)

منظور سؤال این است که در کدام عبارت «ال» در اسم در معنای (این یا آن) آمده است.  
زمانی که اسم نکره‌ای در جمله‌ای بیاید و همان اسم در جمله بعد به صورت «ال» دار بیاید باید با (این یا آن) ترجمه شود.  
با توجه به نکته فوق جواب گزینه «۴» است: «مَثَلٌ نُوْرٌ او مانند چراغدانی است که در آن چراغی است. آن چراغ در شیشه‌ای است.»

۲۹-

(درویشعلی ابراهیمی، قواعد و ترجمه، صفحه ۶۶)

دو فعل «يَفْهَمُ» و «يَعْرِفُ» (که مرتبط با آن است) هر دو به خاطر آمدن بعد از یک فعل مضارع، یعنی «أَشْتَرِي» معنای «التزامی» دارند.  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
گزینه‌ی «۱»: «فعل «لَا تَشِيحُ» می‌تواند معنای «التزامی» داشته باشد، ولی «أَعُوذُ» معنای «اخباری» دارد.  
گزینه‌ی «۳»: هر دو فعل معنای «اخباری» دارند.  
گزینه‌ی «۴»: فعل «تُعَلِّمُ» معنای «ماضی استمراری» دارد.

۳۰-

(فرشته کیانی، قواعد، صفحه ۳۹)

در این گزینه فقط دو اسم نکره وجود دارد: «مجموعه» و «مفیده». سایر اسم‌ها در این گزینه معرفه‌اند.  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
گزینه «۱»: در این عبارت اسم نکره نیامده است.  
گزینه «۲»: تعداد اسم‌های نکره در این عبارت چهار عدد است: (أَبْرَزُ - شَاعِرٌ - عَصْرٌ - غَرِيبٌ)  
گزینه «۳»: در این عبارت تنها یک اسم نکره وجود دارد: (جَالِسٌ)

عربی زبان قرآن (۲) شاهد «گواه»

■ ترجمه‌ی متن درک مطلب:

برای تاجری پس از تحمل زیان بسیاری (چیزی) به جز هزار کیلو آهن نماند. آن را نزد دوستی گذاشت و عزم سفر کرد. پس از یک سال برگشت و امانت خود را طلب کرد، امانت‌دار گفت: امانت را در انباری گذاشتم و نمی‌دانستم که موش‌ها آنجا زندگی می‌کنند، در نتیجه آهن‌ها را خوردند. تاجر گفت: بله، تو راست می‌گویی! البته موش‌ها بسیار آهن را دوست دارند. دوست خوشحال شد و او را نادان فرض کرد ... تاجر مکان را ترک کرد و بیرون خانه پسر دوستش را دید و به او خبر داد آنچه را که پدرش با وی انجام داده بود! پسر از کار پدرش ناراحت شد، سپس طبق نقشه تاجر پنهان شد ... پدر غمگین دنبال او گشت تا اینکه با تاجر روبه‌رو شد در حالی که می‌گفت: عقابی را دیدم که پسری را حمل می‌کرد ... پدر فریاد زد: این غیرممکن است!

و تاجر لبخند زد و گفت: آیا عقاب نمی‌تواند جوانی را که وزنش کمتر از صد کیلوست، بردارد در دیاری که تعداد اندکی از موش‌هایش در طول یک سال هزار کیلو آهن می‌خورند؟! پس او به قضیه پی برد و گفت: امانت در انبار است، پس آن را تحویل بگیر!

۳۱-

گزینه‌ی «۳»: «أَحْسِنُ إِلَيَّ مِنْ أَسَاءَ: نیکی کن به کسی که بدی کرده است!» چنین مفهومی از این متن برداشت نمی‌شود.

ترجمه‌گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: هرکس که بزرگواری اصلاحش نکند، خواری درستش می‌کند! (او را به راه می‌آورد)

گزینه «۲»: حقی که طلب‌کننده‌ای پیگیرش شد، از بین نرفت!

گزینه «۴»: هرکاری که انجام بدهیم (خوب یا بد) نتیجه آن را می‌بینیم.

۳۲-

شخص امانت‌دار ... ← گزینه «۴»: در ابتدای امر تاجر را باهوش فرض نکرد!

ترجمه‌گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: در پایان با فریبکاری خود به آنچه خواست، رسید! (نقشه‌اش شکست خورد و اموال را برگرداند!)

گزینه «۲»: هرگز قصد خیانت در امانت را نداشت!

گزینه «۳»: نقشه تاجر را هنگام ترک خانه فهمیده بود!

۳۳-

ترجمه‌ی صورت سؤال: «چرا تاجر گفت: «تو راست می‌گویی البته موش‌ها بسیار آهن دوست دارند!»؟ ← گزینه‌ی «۱»: «تا دروغ بودن ادعای دوستش را در زمان مناسبی ثابت کند!»

ترجمه‌گزینه‌های دیگر:

گزینه «۲»: تا واقعاً سخن دوست امانت‌دارش را تأیید کند!

گزینه «۳»: زیرا او از گرفتن آنچه نزد دوستش امانت گذاشته بود، ناامید شد! (اینطور نبود، بعد از آن، برای بازپس گرفتن اموالش نقشه کشید!)

گزینه «۴»: زیرا او همیشه به دوستان اعتماد می‌کند!

۳۴-

گزینه‌ی «۴»: «أَقْلُّ» اگرچه «سالمه» نکره است اما بعد از آن، فعلی برای توصیفش نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «سَيَّارَةٌ» نکره است و فعل «تذهب» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۲»، «سُرْعَةٌ» نکره است و فعل «لا تُوصَفُ» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۳»، «طريقاً» نکره است و فعل «يخلو» آن را وصف می‌کند.

۳۵-

گزینه‌ی «۴»: «سَيَّارَةٌ» نکره است اما بعد از آن، فعلی برای توصیفش نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «سَيَّارَةٌ» نکره است و فعل «تذهب» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۲»، «سُرْعَةٌ» نکره است و فعل «لا تُوصَفُ» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۳»، «طريقاً» نکره است و فعل «يخلو» آن را وصف می‌کند.

۳۶-

گزینه‌ی «۴»: «سَيَّارَةٌ» نکره است اما بعد از آن، فعلی برای توصیفش نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «سَيَّارَةٌ» نکره است و فعل «تذهب» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۲»، «سُرْعَةٌ» نکره است و فعل «لا تُوصَفُ» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۳»، «طريقاً» نکره است و فعل «يخلو» آن را وصف می‌کند.

۳۷-

گزینه‌ی «۴»: «سَيَّارَةٌ» نکره است اما بعد از آن، فعلی برای توصیفش نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «سَيَّارَةٌ» نکره است و فعل «تذهب» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۲»، «سُرْعَةٌ» نکره است و فعل «لا تُوصَفُ» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۳»، «طريقاً» نکره است و فعل «يخلو» آن را وصف می‌کند.

۳۸-

گزینه‌ی «۴»: «سَيَّارَةٌ» نکره است اما بعد از آن، فعلی برای توصیفش نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «سَيَّارَةٌ» نکره است و فعل «تذهب» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۲»، «سُرْعَةٌ» نکره است و فعل «لا تُوصَفُ» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۳»، «طريقاً» نکره است و فعل «يخلو» آن را وصف می‌کند.

۳۹-

گزینه‌ی «۴»: «سَيَّارَةٌ» نکره است اما بعد از آن، فعلی برای توصیفش نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «سَيَّارَةٌ» نکره است و فعل «تذهب» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۲»، «سُرْعَةٌ» نکره است و فعل «لا تُوصَفُ» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۳»، «طريقاً» نکره است و فعل «يخلو» آن را وصف می‌کند.

۴۰-

گزینه‌ی «۴»: «سَيَّارَةٌ» نکره است اما بعد از آن، فعلی برای توصیفش نیامده است.

تشریح گزینه‌های دیگر:

در گزینه «۱»، «سَيَّارَةٌ» نکره است و فعل «تذهب» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۲»، «سُرْعَةٌ» نکره است و فعل «لا تُوصَفُ» آن را وصف می‌کند.

در گزینه «۳»، «طريقاً» نکره است و فعل «يخلو» آن را وصف می‌کند.





**دین و زندگی (۲)**

۴۱-

(مفسر رضایی‌بغا، احیای ارزش‌های راستین، صفحه ۱۲۳)

امام علی (ع) در هشدار به مردم عصر خود فرمود: «آن‌گاه می‌توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»  
همچنین ایشان در بیان مظاهر جاهلیت فرمود: «... نزد مردم آن زمان ... کالایی رایج‌تر و فراوان‌تر از آن (قرآن) نیست، آن‌گاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیاطلبان معنایش کنند.»

۴۲-

(فرزین سماقی - لرستان، احیای ارزش‌های راستین، صفحه ۱۲۴)

در حالی که حاکمان زمان به افراد فاقد صلاحیت میدان می‌دادند تا قرآن را مطابق با اندیشه‌های باطل خود تفسیر کنند، امامان بزرگوار در هر فرصتی که به دست می‌آوردند، معارف این کتاب آسمانی را بیان می‌کردند و رهنمودهای آن را آشکار می‌ساختند. در نتیجه این اقدام، مشتاقان معارف قرآنی توانستند، از این کتاب الهی بهره ببرند.

۴۳-

(مفسر رضا فرهنگیان، جهاد در راستای ولایت ظاهری، صفحه ۱۳۶، ۱۳۰ و ۱۴۱)

امام صادق (ع) در فرصت‌های مناسب از جمله در روز عرفه و در مراسم حج، حق حکومت را از آن خود اعلام نمود. امام باقر (ع) برادر خود زید را از قیام بازداشت و ایشان نیز اطاعت کرد. امام کاظم (ع) به علت شدت اختناق مبارزه خود را به صورت مخفیانه و در قالب تقیه ادامه داد و به تربیت شیعیان پرداخت.

۴۴-

(مفسر رضا فرهنگیان، جهاد در راستای ولایت ظاهری، صفحه ۱۳۸ و ۱۴۰)

امامت امام علی (ع): سکوت پیشه کردن برای حفظ نظام نوپای اسلامی  
امامت امام سجاد (ع): تجدید بنای سازمان تشیع، حضور فعال تشیع در جامعه به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی، گسترش معارف اسلام از طریق دعا  
امامت امام باقر (ع): معرفی اسلام اصیل

۴۵-

(مفسر رضایی‌بغا، جهاد در راستای ولایت ظاهری، صفحه ۱۳۵)

طبق آیه «لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا»، کسانی که فرمان خدا در مورد کفر ورزیدن به طاغوت را نادیده بگیرند، به گمراهی عمیق کشانده می‌شوند و ایمان آن‌ها پنداری بیش نیست.

۴۶-

(مفسر رضایی‌بغا، جهاد در راستای ولایت ظاهری، صفحه ۱۳۷)

رفتار ائمه اطهار (ع) در طول ۲۵۰ سال بعد از رحلت پیامبر (ص) تا امامت امام عصر (ع) و غیبت ایشان، چنان مکمل یکدیگر است که گویی یک شخص می‌خواهد برای رسیدن به یک مقصد (مقاصد مشترک) مسیری را بپیماید، ولی مسیر یک دست نیست (عدم وحدت رویه) گاهی هموار است و گاهی ناهموار، گاهی لغزنده و خطرناک است و گاهی دشوار! ولی این جاده با همه این اختلاف‌ها به یک هدف ختم می‌شود، به گونه‌ای که گویی یک انسان است که ۲۵۰ سال زندگی کرده است و در شرایط مختلف سیاسی و فرهنگی روش‌های مناسب را برگزیده و عمل کرده است، نه اینکه اهداف متفاوتی داشته باشد.

۴۷-

(مفسر آقامصالح، عصر غیبت امام زمان (ع)، صفحه ۱۴۹)

در سال ۳۲۹ هـ. ق با پایان یافتن دوران غیبت صغری، شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر (ع) برای ایشان نامه‌ای نوشت و فرمود به فرمان خداوند، پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می‌شود.

۴۸-

(مفسر آقامصالح، عصر غیبت امام زمان (ع)، صفحه ۱۵۰)

مطابق با آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغْتَبَرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَي قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بَانفُسِهِمْ وَ أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»، سنت ابتدایی خداوند بر عدم تغییر نعمت‌ها تعلق گرفته است. «لم یک مغتبرا» و تغییر آن‌ها متناسب با عملکرد مردمان و تابع علم و آگاهی خداوند از اعمال بندگان است. «ان الله سمیع علیم»

۴۹-

(مفسر رضایی‌بغا، عصر غیبت امام زمان (ع)، صفحه ۱۵۱)

باید توجه کنیم که امام را از آن جهت «غایب» نامیده‌اند که ایشان از نظر «غایب» است، نه اینکه در جامعه حضور ندارد. به عبارت دیگر، ما انسان‌ها هستیم که امام را نمی‌بینیم، نه اینکه ایشان در بین ما نیست و از وضع ما بی‌خبر است.  
امامت حضرت مهدی (عج) در عصر غیبت، منحصر به «ولایت معنوی» می‌شود و امام عصر (ع) در نامه‌ای به شیخ مفید در این باره می‌فرماید: «ما از اخبار و احوال شما آگاهییم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نیست.»

۵۰-

(مفسر رضایی‌بغا، عصر غیبت امام زمان (ع)، صفحه ۱۵۲)

دوره غیبت، به معنای عدم امامت امام عصر (ع) نیست؛ بلکه رهبری حقیقی مسلمانان، هم اکنون نیز به عهده ایشان است؛ اما این رهبری را انسان‌های عادی حس نمی‌کنند؛ همان‌طور که برخی از انسان‌ها فواید خورشید پشت ابر را در نمی‌یابند و مشاهده نمی‌کنند. اگر شب، عالم را فرا گیرد و خورشید هیچ‌گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.



زبان انگلیسی (۲)

۵۱-

(رحمت‌الله استیری، گرامر)

ترجمه‌ی جمله: «از بعد از ملاقات کردن او، هنوز به پیاده‌روی نرفته‌ام.»

توضیح نکات درسی:

از آنجا که "since" حرف اضافه محسوب می‌شود، بعد از آن باید از "gerund" (فعل ing دار) استفاده کنیم. (رد گزینه‌های «۱» و «۴»). از طرفی هر دو کلمه "yet" و "still" به معنای «هنوز» می‌باشند اما به یاد داشته باشید که تنها می‌توان از "still" قبل از "have" استفاده کرد. همچنین دقت کنید که جایگاه "yet" در انتهای جمله است.

۵۲-

(رحمت‌الله استیری، گرامر)

ترجمه‌ی جمله: «او به مدت یک ماه فوتبال بازی نکرده است و اکنون به رها کردن آن فکر می‌کند.»

چون "a month" بیانگر «طول مدت زمان» است، باید از "for" استفاده کنیم (رد گزینه‌های «۲» و «۴»). از سوی دیگر فعل "give up" جزو افعال جداشدنی است و همواره ضمیر مفعولی را در میان می‌گیرد (رد گزینه «۱»).

۵۳-

(رحمت‌الله استیری، واژگان)

ترجمه‌ی جمله: «در هر کاری که انجام می‌دهد می‌تواند یک حس عمیق مسئولیت را دید.»

- |           |                  |
|-----------|------------------|
| تصادف (۱) | ۲) مأموریت       |
| تأثیر (۳) | ۴) رویداد، اتفاق |

به اصطلاح "sense of mission" به معنای «حساس مأموریت و مسئولیت» توجه کنید.

۵۴-

(رحمت‌الله استیری، واژگان)

ترجمه‌ی جمله: «من هرگز در مدرسه خوب نبودم، به این دلیل ساده که هیچ‌گاه درس نمی‌خواندم.»

- |           |              |
|-----------|--------------|
| دلیل (۱)  | ۲) سبک زندگی |
| تصویر (۳) | ۴) بیماری    |

۵۵-

(رحمت‌الله استیری، واژگان)

ترجمه‌ی جمله: «پرستار آمد تا داروهای بیمار را بدهد.»

- |                   |             |
|-------------------|-------------|
| عادات (۱)         | ۲) اختراعات |
| وضعیت اضطراری (۳) | ۴) داروها   |

ترجمه درک مطلب:

دکتر مایکل میلر تأثیر خنده بر قلب و سیستم خون را مطالعه می‌کرده است. در یکی از مطالعاتش، میلر افرادی را بر آن داشت تا دو فیلم ببینند. یکی از فیلم‌ها خیلی جدی بود. دومی خیلی احمقانه بود. سپس او اندازه‌گیری کرد که رگ‌های خونی آن‌ها بعد از دیدن هر نوع فیلم چه قدر بزرگ شده بود.

وقتی یک رگ خونی بزرگ می‌شود، عموماً نشانه‌ی این است که مواد شیمیایی مشخصی در خون آزاد می‌شوند. آن مواد شیمیایی به شخص کمک می‌کنند قلبش را سالم نگه دارد. آنها خون را از لخته شدن در جایی که نباید لخته شود و سرخرگ‌ها را از متراکم شدن با پلاک باز می‌دارند. آن پلاک یک ماده‌ی چسبنده است که می‌تواند بر روی جداره‌های سرخرگ ساخته شود.

میلر فهمید که وقتی مردم یک فیلم خنده دار دیدند، رگ‌های خونی‌شان بزرگتر شد و جریان خون افزایش پیدا کرد. چه قدر؟ به اندازه‌ای که اگر برای یک تمرین ۱۵ تا ۳۰ دقیقه‌ای به سالن ورزشی می‌رفتند افزایش پیدا می‌کرد. میلر گفت: «خنده نباید جایگزین ورزش شود، اما حتماً باید بخشی از یک سبک زندگی سالم باشد. هر کس باید تلاش کند تا هر روز به میزان مناسبی خنده دریافت کند.»

مثل یک مولتی ویتامین، خنده زنجیره‌ای از فواید مربوط به سلامتی را به زندگی روزانه شما می‌آورد. خندیدن سیستم ایمنی شما را ارتقا می‌دهد. آدامز که دکتری بامزه است و تعاملات او با بیمارانش شبیه انواع معمول کم‌دی بود، نشان داده است که خندیدن می‌تواند منجر به افزایش در آنتی‌بادی‌ها و دیگر سلول‌ها شود که با باکتری‌ها، ویروس‌ها و دیگر «مهاجمان» بدن می‌جنگند.

کسی نمی‌گوید که خنده می‌تواند یک بیماری جدی را درمان کند. اما با دانستن این‌که مشکلات سلامتی چه قدر می‌توانند باعث اضطراب شوند، محققان در حال حاضر با دقت بیشتری خنده را بررسی می‌کنند. آنها فکر می‌کنند خنده، تقریباً همیشه، می‌تواند نقشی مفید در معالجه‌ی پزشکی یک فرد ایفا کند. شوخ‌طبعی به شما این اجازه را می‌دهد که کمی عقب‌نشینی کرده و استراحت کنید.

۵۶-

(امیر حسین مراد، درک مطلب)

ترجمه‌ی جمله: «مطابق متن، چرا بزرگ شدن رگ‌های خونی مهم است؟» «بزرگ شدن رگ‌های خونی [دسته‌ای از] مواد شیمیایی را آزاد می‌کند که به حفظ قلبی سالم کمک می‌کند.»

۵۷-

(امیر حسین مراد، درک مطلب)

ترجمه‌ی جمله: «تأثیر فیلم‌های خنده‌دار بر رگ‌های خونی چه بود؟» «باعث شد رگ‌های خونی بزرگ شوند.»

۵۸-

(مانتره امیری، درک مطلب)

ترجمه‌ی جمله: «ضمیر "they" که در پاراگراف سوم زیر آن خط کشیده شده به چه اشاره دارد؟» «رگ‌های خونی کسانی که فیلم خنده دار تماشا کرده‌اند.»

۵۹-

(امیر حسین مراد، درک مطلب)

ترجمه‌ی جمله: «کدام یک از عبارات زیر بر اساس متن صحیح نیست؟» «خنده می‌تواند یک بیماری وحشتناک را درمان کند.»

۶۰-

(امیر حسین مراد، درک مطلب)

ترجمه‌ی جمله: «این متن عمدتاً درباره‌ی چیست؟»  
 [در این مورد که] چرا خنده برای سلامتی خوب است؟

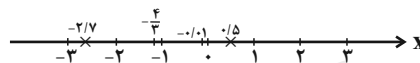
ریاضی و آمار (۲)

مبحث: توابع پلکانی و قدر مطلق

۶۱-

(شقایق راهبریان، صفحه ۳۷ تا ۳۹)

حاصل هر گزینه را با توجه به نمودار اعداد بدست می‌آوریم، دقت کنید که جزء صحیح هر عدد غیر صحیح برابر عدد صحیح قبل از آن است.



$$1) [-2/7] = -3 \quad 3) [-\frac{4}{3}] = -2$$

$$2) [0/5] = 0 \quad 4) [-0/01] = -1$$

۶۲-

(امیر زرانروز، صفحه ۳۴ تا ۳۶)

ضابطه‌های توابع پلکانی مقادیر ثابتی هستند، پس نباید در ضابطه‌ها متغیر وجود داشته باشد، لذا ضریب  $x$  در در ضابطه اول مساوی صفر قرار می‌دهیم:

$$m - 8 = 0 \Rightarrow m = 8$$

از طرفی با توجه به نمودار، حاصل  $2n$  باید برابر ۴ باشد:

$$2n = 4 \Rightarrow n = 2$$

هم‌چنین حاصل  $k - 6$  باید برابر با  $-4$  باشد:

$$k - 6 = -4 \Rightarrow k = 2$$

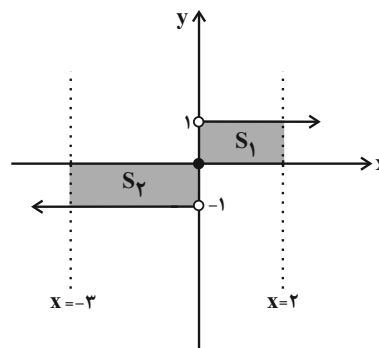
$$k + m + n = 2 + 8 + 2 = 12$$

۶۳-

(امیر زرانروز، صفحه ۳۵)

ضابطه تابع  $y = \text{sign}(x)$  به صورت زیر می‌باشد، داریم:

$$y = \text{sign}(x) = \begin{cases} 1, & x > 0 \\ 0, & x = 0 \\ -1, & x < 0 \end{cases}$$



$$\text{مساحت کل: } S = S_1 + S_2 = (2 \times 1) + (1 \times 3) = 5$$

۶۴-

(امیر زرانروز، صفحه ۳۷ تا ۳۹)

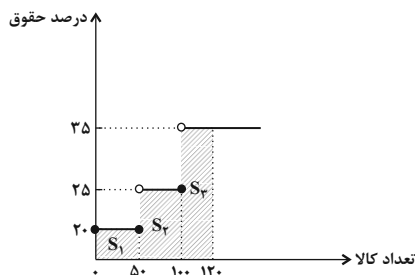
$x$  را یک عدد دلخواه از مجموعه  $\mathbb{Z}$  فرض می‌کنیم مثلاً آن را ۱ فرض می‌کنیم:

$$[2x] + [-2x] = [2 \times (1)] + [-2 \times (1)] = [2] + [-2] = 2 - 2 = 0$$

۶۵-

(امیر مسموریان، صفحه ۳۴ و ۳۵)

با توجه به نمودار زیر حقوق حاصل از فروش ۱۲۰ کالا برابر است با:



$$S_1 = \frac{20}{100} \times 50 \times 4000 = 40000$$

$$S_2 = \frac{25}{100} \times 50 \times 4000 = 50000$$

$$S_3 = \frac{35}{100} \times 20 \times 4000 = 28000$$

حقوق دریافتی برابر است با:

$$\text{تومان} = S_1 + S_2 + S_3 = 40000 + 50000 + 28000 = 118,000$$

۶۶-

(مهمر بهیرایی، صفحه ۳۷ تا ۳۹)

با توجه به محور و محدوده  $A$ ،  $B$  و  $C$  که بین کدام دو عدد صحیح قرار دارند، داریم:

$$-2 < A < -1 \Rightarrow 2 < -2A < 4 \Rightarrow 2 + 1 < 1 - 2A < 1 + 4$$

$$\Rightarrow 3 < 1 - 2A < 5 \Rightarrow \frac{3}{5} < \frac{1 - 2A}{5} < \frac{5}{5} = 1$$

$$\Rightarrow [\frac{1 - 2A}{5}] = 0$$

$$1 < B < 2 \Rightarrow [B] = 1$$

$$3 < C < 4 \Rightarrow \frac{3}{2} < \frac{C}{2} < 2 \Rightarrow [\frac{C}{2}] = 1$$

$$\Rightarrow \frac{[\frac{1 - 2A}{5}] + 2[B]}{[\frac{C}{2}] - 3} = \frac{0 + 2 \times 1}{1 - 3} = \frac{2}{-2} = -1$$

۶۷-

(امیر زرانروز، صفحه ۳۷ تا ۳۹)

ابتدا دامنه داده شده را به قسمت‌های کوچکتری تقسیم می‌کنیم تا در هر قسمت،

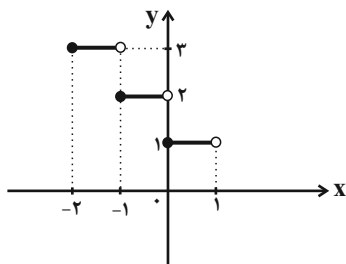
جواب  $[x]$  عددی صحیح و منحصر به فرد شود:

$$-2 \leq x < -1 \Rightarrow [x] = -2 \Rightarrow y = -(-2) + 1 = 3$$

$$-1 \leq x < 0 \Rightarrow [x] = -1 \Rightarrow y = -(-1) + 1 = 2$$

$$0 \leq x < 1 \Rightarrow [x] = 0 \Rightarrow y = -(0) + 1 = 1$$

حال اگر نمودار آن را رسم کنیم، داریم:





۶۸-

(هاری پلاور، صفحه ۴۰ تا ۴۴)

ابتدا حاصل هر یک از مقادیر  $f(\sqrt{2}-1)$  و  $f(\sqrt{2}+1)$  را جداگانه می‌یابیم:

دقت کنید که  $1 < \sqrt{2} < 2$  پس داریم:

$$2 < 2\sqrt{2} < 4 \Rightarrow 2-1 < 2\sqrt{2}-1 < 4-1 \Rightarrow 1 < 2\sqrt{2}-1 < 3$$

$$f(x) = |2x-3|$$

$$f(\sqrt{2}+1) = |2(\sqrt{2}+1)-3| = |2\sqrt{2}+2-3| = |2\sqrt{2}-1| = 2\sqrt{2}-1$$

مثبت

$$1 < \sqrt{2} < 2 \Rightarrow 2 < 2\sqrt{2} < 4 \Rightarrow 2-5 < 2\sqrt{2}-5 < 4-5$$

$$\Rightarrow -3 < 2\sqrt{2}-5 < -1$$

$$f(\sqrt{2}-1) = |2(\sqrt{2}-1)-3| = |2\sqrt{2}-2-3| = |2\sqrt{2}-5|$$

منفی

$$= -(2\sqrt{2}-5) = 5-2\sqrt{2}$$

پس حاصل عبارت مورد نظر سؤال برابر است با:

$$f(\sqrt{2}+1) + f(\sqrt{2}-1) = 2\sqrt{2}-1 + 5-2\sqrt{2} = 4$$

۶۹-

(امیر زرنروز، صفحه ۳۰ تا ۳۴)

$$y = 2|x-3| + 1 = \begin{cases} 2(x-3) + 1, & x-3 \geq 0 \\ -2(x-3) + 1, & x-3 < 0 \end{cases}$$

$$\Rightarrow y = \begin{cases} 2x-5, & x \geq 3 \\ -2x+7, & x < 3 \end{cases} \Rightarrow \begin{cases} a=2, b=-5 \\ c=-2, d=7 \end{cases}$$

$$\Rightarrow a+b-c-d = 2-5+2-7 = -8$$

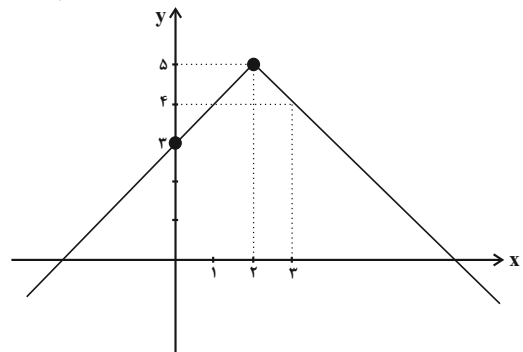
۷۰-

(خریره هاشمی، صفحه ۳۰ تا ۳۴)

ابتدا با دو ضابطه‌ای کردن تابع داریم:

$$f(x) = -|x-2| + 5 = \begin{cases} -(x-2) + 5, & x-2 \geq 0 \\ -(-(x-2)) + 5, & x-2 < 0 \end{cases}$$

$$\Rightarrow f(x) = \begin{cases} -x+7, & x \geq 2, & \frac{x}{y} \frac{2}{5} \frac{3}{4} \\ x+3, & x < 2, & \frac{x}{y} \frac{0}{3} \frac{2}{5} \end{cases}$$



علوم و فنون ادبی (۲)

۷۱-

(سعیر یعفری، پایه‌های آوایی همسان (۲)، صفحه ۶۶)

(-UU-/-UU-/-UU-/-UU-)

آ	ه	ک	آن	صد	ر	س	را
-	U	U	-	-	-	U	-

می	ن	ذ	هد	با	ر	م	را
-	U	U	-	-	U	U	-

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»: (-U-/-UU-/-UU-)

گزینه «۳»: (-U-/-UU-/-UU-/-UU-)

گزینه «۴»: (-UU-/-UU-/-UU-)

۷۲-

(سعیر یعفری، استعاره، صفحه ۷۳ و ۷۴)

الف) خیال تو ز چشم من می‌رفت و می‌گفت: استعاره پنهان؛ جانبخشی

ب) پادشاه حُسن: استعاره آشکار از معشوق

پ) آبروی فقر و قناعت: استعاره پنهان؛ جانبخشی

ت) سرو گل اندام: استعاره آشکار از دلبر

ث) خم‌ها از مستی همه در جوش و خروش‌اند: استعاره پنهان؛ جانبخشی

۷۳-

(عارف سادات طباطبایی نژاد، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم، صفحه ۵۹ و ۶۰)

این عبارت دارای چهار غلط است:

شاهان صفوی نسبت به شاعران بی توجه بودند.

شاعران برای کسب شهرت و ثروت به هند سفر می‌کردند.

شعر قرن یازدهم به دربار وابسته نیست.

طبقه مدیحه‌سرایان درباری، در قرن یازدهم از بین رفت.

۷۴-

(سمیه خان‌بیلی، پایه‌های آوایی همسان (۲)، صفحه ۶۴)

د	لم	را	دا	غ	عش	قی	بر	ج	بین	نه
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-

وزن بیت‌های گزینه‌های «۱»، «۳» و «۴»: فعولن فعولن فعولن

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه «۱»، «۳» و «۴»:

ج	هان	را	ب	دی	دم	و	فا	یی	ن	دا	رد
ب	دُن	با	ل	مَج	مِل	چ	نان	زا	ر	گِر	یم
ز	صو	رت	پ	رَس	تِی	ذ	نَت	می	ه	را	سم
-	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-	-
	فعولن		فعولن		فعولن		فعولن		فعولن		فعولن

۷۵-

(ابراهیم رضایی‌مق‌م، استعاره، صفحه ۷۴)

«لوح خاطر» اضافه تشبیهی است به عبارت دیگر تشبیه فشرده از نوع اضافی است.





علوم و فنون ادبی (۲) (شاهد «گواه»)

۷۶-

(عارف‌سارانت طباطبایی نژاد، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم، صفحه ۶۰ و ۶۱)  
 کلیم کاشانی «خلاق‌المعانی ثانی» است. سبک شعری وحشی بافقی حد واسط سبک دوره‌ی عراقی و دوره‌ی هندی است. بیدل دهلوی مشهور به آوردن استعاره‌های سرشار از ابهام و تخیل‌های رمزآمیز شاعرانه است.

۷۷-

(ابراهیم رضایی‌مقدم، استعاره، صفحه ۷۴)  
 آرایه «تشخیص» در بیت گزینه «۲» عبارتند از:  
 ۱- دست‌انداز شوق: شوق مثل انسانی حمله (دست‌انداز) دارد.  
 ۲- جذبۀ مجنون مثل انسانی عنان گرفت.  
 ۳- دست محمل: محمل مثل انسانی است که دست دارد.  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
 گزینه «۱»: آگاه نبودن فلک از راز  
 گزینه «۳»: پای باد [= باد مثل انسانی پا دارد.] - شانه مثل انسانی توانست به آسانی بگذرد.  
 گزینه «۴»: آفتاب زده شدن خورشید - چهره گل

۷۸-

(ابراهیم رضایی‌مقدم، پایه‌های آوایی همسان (۲)، صفحه ۶۶)

هـ	م	بی	ن	د	ن	این	صن
U	U	-	-	U	U	-	-

ع	ک	من	می	بی	نم
U	U	-	-	-	-

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

هـ	م	را	مل	ک	م	جا	زس
هـ	م	بر	من	چ	ز	نی	زخ
س	خ	نز	نی	م	ب	ری	دم
U	U	-	-	U	U	-	-
فعلاتن				فعلاتن			

ت	ب	زُر	گی	ی	ا	می	ری
م	ف	را	قی	م	هـ	خو	بان
ک	ن	گه	کر	د	م	دی	دم
U	U	-	-	U	U	-	-
فعلاتن				فعلاتن			

۷۹-

(اعظم نوری‌نیا، پایه‌های آوایی همسان (۲)، صفحه ۶۵)

وزن بیت گزینه «۴»: «فعلاتن فعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.

تا	ن	پن	دا	ری	ک	بع	دز
-	U	-	-	-	U	-	-

چش	م	خا	با	لو	د	ت
-	U	-	-	-	U	-

۸۰-

(اعظم نوری‌نیا، استعاره، صفحه ۷۳)

در بیت این گزینه، «سنبل» استعاره آشکار از «زلف» است.

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه «۱»: آفتاب روی: اضافه تشبیهی

گزینه «۲»: «سرو خرامان» در مصراع دوم نیز در معنای حقیقی خود به کار رفته است.

گزینه «۴»: «ترگس» در مصراع دوم، استعاره از «چشم» است.

۸۱-

(کتاب جامع، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم، صفحه ۵۹ و ۶۰ کتاب درسی)  
 در دوران صفویه هنرهایی چون قالی‌بافی، نقاشی و تذهیب رشد فراوان یافت، اما این نکته از عوامل توجه شاهان صفوی به شعر و شاعری نبود.

۸۲-

(کتاب جامع، پایه‌های آوایی همسان (۲)، صفحه ۶۴ و ۶۶ کتاب درسی)  
 در آخرین پایه آوایی مصراع گزینه «۱» به جای «فعلاتن»، «فعلتن» آمده است: «فعلاتن فعلاتن فعلتن»  
 اما وزن سایر گزینه‌ها «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلاتن» است و هیچ هجایی حذف نشده است.

۸۳-

(کتاب جامع، تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم، صفحه ۶۱ کتاب درسی)  
 با توجه به نوع بیان و آرایه‌ها متوجه می‌شویم که بیت گزینه «۴» مربوط به سبک هندی است.

۸۴-

(کتاب جامع، پایه‌های آوایی همسان (۲)، صفحه ۶۶ کتاب درسی)  
 وزن هر مصراع از بیت گزینه «۳»، «مفتعلن مفتعلن مفتعلن مفتعلن» و وزن سایر گزینه‌ها «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است.

۸۵-

(کتاب جامع، استعاره، صفحه ۷۴ کتاب درسی)  
 «گل» در این بیت «منادا» قرار گرفته است و شاعر به آن ویژگی انسانی بخشیده است.

۸۶-

(کتاب جامع، پایه‌های آوایی همسان (۲)، ترکیبی)  
 نشانه‌های هجایی سایر ابیات:  
 گزینه «۱»: -U - / - UU - / - UU -  
 گزینه «۲»: - UU / - UU / - UU / - UU -  
 گزینه «۴»: -U / - U / - U / - U -

۸۷-

(کتاب جامع، استعاره، صفحه ۷۳ کتاب درسی)  
 «تشخیص»‌ها عبارتند از: خواندن شب / نشستن دریا / فریاد کشیدن شاخه / آمدن شب / برهنه بودن شب / روح داشتن آب

۸۸-

(کتاب جامع، پایه‌های آوایی همسان (۲)، صفحه ۶۴ کتاب درسی)  
 وزن و نشانه‌های هجایی مصراع گزینه «۱» چنین است:

فعلون	فعلون	فعلون	فعلون
-U	--U	--U	--U

۸۹-

(کتاب جامع، استعاره، ترکیبی)  
 تشبیه: گل روی و باغ لطافت / اضافه استعاری: ندارد  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
 گزینه «۲»: تشبیه: خار غم / اضافه استعاری: پای دل  
 گزینه «۳»: تشبیه: چشم او به چشم ترگس / اضافه استعاری: چشم ترگس  
 گزینه «۴»: تشبیه: تیر حوادث / اضافه استعاری: دست روزگار

۹۰-

(کتاب جامع، پایه‌های آوایی همسان (۲)، ترکیبی)  
 با توجه به وزن مصراع‌ها، پایه‌های آوایی گزینه «۲» برای مصراع‌ها مناسب است.



تاریخ (۲)

۹۶-

(علی‌مفهر کربمی، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه ۱۰۲)

مسعود غزنوی در سال ۴۳۱ ق در نبرد سرنوشت‌ساز دندانقان از سپاه سلجوقی به فرماندهی طغرل شکست خورد و پس از این شکست، سلطه‌ی غزنویان بر خراسان به سر رسید.

۹۷-

(آزاره میرزائی، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه ۱۰۷)

دیوان عرض بر امور اداری و مالی و تدارکاتی سپاه، از قبیل آمار سپاهیان، پرداخت حقوق و مواجب آنان نظارت می‌کرد.

۹۸-

(آزاره میرزائی، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه ۱۰۵ تا ۱۰۷)

الف) شهر بیرونی (رتض) در دوران سلجوقی بیش از ادوار پیشین گسترش یافت.  
ب) همه‌ی دیوان‌های سلجوقی زیر نظر وزیر کار می‌کردند.  
پ) حمله‌ی چنگیزخان مغول به ایران در زمان سلطان محمد خوارزمشاه بود.

۹۹-

(سکینه‌سارات سعیریان، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه ۱۰۲ و ۱۰۳)

- در زمان ملکشاه، سلسله‌ی سلجوقی به اوج قدرت خود رسید و در نتیجه بیشتر خاندان‌ها و حکومت‌های محلی از بین رفتند و یا به اطاعت سلطان سلجوقی گردن نهادند.  
- لقب سلطان رکن‌الدوله را خلیفه به دنبال رهایی از تسلط آل‌بویه به‌دست طغرل به وی داد.

۱۰۰-

(سکینه‌سارات سعیریان، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه ۱۰۸ و ۱۰۹)

طبقه‌ی بازرگانان شهری به دلیل رشد شهرنشینی و توسعه‌ی مناسبات شهری، در دوره‌ی سلجوقی بیش از پیش اهمیت یافت.  
- بافت مذهبی جمعیت شهری و روستایی دوره‌ی سلجوقی را عمدتاً اهل تسنن تشکیل می‌دادند.  
یکی از تحولات چشمگیر دوران حاکمیت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، زوال موقعیت اقتصادی و اجتماعی دهقانان در ایران بود.  
- مهم‌ترین مخالفان خلافت عباسی و دو حکومت غزنوی و سلجوقی پیروان مذهب اسماعیلیه بودند که به همین دلیل از سوی حکومت‌ها مورد آزار و اذیت و تعقیب قرار داشتند.

۹۱-

(علی‌مفهر کربمی، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۹۲)

پس از حمله‌ی یعقوب به نیشابور و از میان برداشتن حکومت طاهریان و لشکرکشی ناموفق امیر صفاری به بغداد، روابط دو طرف به خصومت گرایید.

۹۲-

(علی‌مفهر کربمی، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۹۲)

تشریح عبارت‌های دیگر:

گزینه ۱: «امیران سلسله‌های طاهری و سامانی عموماً نسبت به خلفای بنی‌عباس اظهار اطاعت ظاهری می‌کردند.

گزینه ۲: «سامانیان در مواردی با دشمنان خلافت مانند علویان طبرستان و خوارج در سیستان سرستیز داشتند.

گزینه ۴: «علویان طبرستان، خود مدعی خلافت بودند و عباسیان را غاصب خلافت می‌شمردند.

۹۳-

(مهری کارران، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۸۹ و ۹۰)

الف) زرنگ (زرنج) مرکز حکومت صفاریان بود.

ب) تشدید جنبش‌های ضدخلافت در ایران، مأمون را متوجه این نکته کرد که باید تغییری در شیوه‌ی اداره‌ی قلمرو خلافت ایجاد کند.

ج) سلسله‌های طاهریان و سامانیان، ریشه در خاندان‌های کهن دهقانی منطقه‌ی خراسان و ماوراءالنهر داشتند.

۹۴-

(آزاره میرزائی، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۹۶ و ۹۷)

الف) ابوعلی سینا، فلسفه‌ی مشایی را به اوج رسانید.

ب) در سده‌های نخستین هجری، مساجد، مهم‌ترین مراکز آموزشی بودند.

پ) دانشنامه‌ی علایی اثر ابن‌سینا، سهم بسزایی در مطرح کردن زبان فارسی به عنوان زبان علم داشت.

۹۵-

(سکینه‌سارات سعیریان، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۹۴ و ۹۵)

مهم‌ترین پیامد سیاسی ظهور حکومت‌های ایرانی، کاهش و زوال تدریجی سلطه‌ی سیاسی - نظامی خلفای عباسی بر ایران بود.

بدون شک، سلسله‌های ایرانی به‌ویژه سامانیان و آل‌بویه سهم بسزایی در رونق و شکوفایی علمی و فرهنگی عصر خود داشتند.



۱۰۱-

(مهری کاروان، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه ۱۱۳ و ۱۱۵)

- مغولان پس از فتح بغداد، به شام یورش بردند، اما در عین جالوت از سپاه حکومت مملوکان مصر شکست خوردند و از ادامه پیشروی بازماندند.

- اختلاف سیاسی و درگیری حکومت خوارزمشاهی با خلافت عباسی، از یک‌سو موجب تفرقه و تضعیف قدرت جهان اسلام شد و از سوی دیگر سبب گردید که سلطان محمد خوارزمشاه از تهدیدات قدرت نوظهور مغول‌ها غافل بماند.

۱۰۲-

(سکینه سارات سیریان، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه ۱۱۶)

**تشریح گزینه نادرست:**

ابوسعید آخرین ایلخانان مغول بود نه الجایتو و پس از مرگ ابوسعید چهار دهه آشفتگی سیاسی و نابسامانی نسبی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران آغاز شد.

۱۰۳-

(علی مفسر کریمی، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه ۱۱۸)

**تشریح گزینه‌های دیگر:**

گزینه ۱: «تیمور با غلبه بر رقیبان خود، حکومت ماوراءالنهر را به دست گرفت.

گزینه ۲: «حکومت نوادگان تیمور بر ایران، در اوایل قرن دهم هجری با به قدرت رسیدن صفویان در ایران و تسلط ازبکان بر ماوراءالنهر به پایان رسید.

گزینه ۳: «قبیله‌های ترکمان قراقویونلو و آق‌قویونلو به ترتیب نواحی غربی و مرکزی ایران را تصرف کردند و حکومت تیموریان به مناطق شرقی ایران محدود شد.

۱۰۴-

(آزاده میرزائی، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه ۱۱۹ و ۱۲۰)

الف) چنگیزخان در کتاب یاسای خود توصیه می‌کرد که از شهر و شهرنشینی دوری گزینند.

ب) سمرقند پایتخت تیمور بود.

پ) جامعه دوره مغول - تیموری به دو دسته کلی فرادست و فرودست تقسیم می‌شد.

۱۰۵-

(مهری کاروان، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۲)

الف) پس از مسلمان شدن مغول‌ها، دعاوی حقوقی آن‌ها در دادگاهی موسوم به برغو و زیر نظر برغوچی حل و فصل می‌شد.

ب) تیمور مجموعه قوانینی موسوم به تزوکات را به وجود آورد.

ج) مبنای زندگی اجتماعی و داوری حقوقی ایرانیان در زمان تیموریان، قوانین شرعی و عرفی بود.

بخش عمده‌ای از اصلاحات غازان خان، قوانین مالیاتی، بازسازی قنات‌ها و شبکه‌های آبیاری و اصلاح نظام زمین داری، به منظور پیشرفت و رونق فعالیت‌های بخش کشاورزی انجام گرفت.

۱۰۶-

(میبیه مویی، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۹۶ و ۹۷)

ایرانیان از گذشته‌های دور به خردورزی و علم‌دوستی شهرت داشتند.

در سنت فلسفه اسلامی، محمد بن محمد معروف به فارابی را بعد از ارسطو که ملقب به معلم اول است، معلم دوم می‌خوانند.

**توضیح نکات درسی:**

ابن سینا فارابی را استاد خود دانسته و ابن رشد و دیگر فیلسوفان احترام زیادی برای او قائل شده‌اند.

۱۰۷-

(میبیه مویی، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۹۶ و ۹۷)

**تشریح عبارتهای نادرست:**

الف) کتاب‌های النهایه و مبسوط در زمینه فقه از عالم برجسته شیخ توسی است.

ج) ابن سینا پس از مهاجرت از زادگاهش بخارا، در شهرهای مختلف ایران به خصوص ری، اصفهان و همدان به فعالیت علمی و درمان بیماران مشغول بود.

۱۰۸-

(میبیه مویی، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه ۹۸ و ۱۰۰)

الف) جرجیس بن جبرائیل، رئیس مدرسه جندی شاپور بود.

ب) دائرةالمعارف پزشکی ابن سینا با عنوان قانون، نه فقط در ایران و جهان اسلام، که در اروپا نیز تا چندین قرن به عنوان یک منبع و مرجع معتبر پزشکی باقی ماند.

ج) بندر سیراف یکی از مراکز مهم مبادلات اقتصادی منطقه‌ای و جهانی سده‌های سوم تا پنجم هجری، محسوب می‌شود.

۱۰۹-

(میبیه مویی، ایران در دوران غزنوی، سلجوقی و خوارزمشاهی، صفحه ۱۰۱ و ۱۰۴)

- الپتگین از جمله افرادی بود که در دربار سامانیان به مقام سپهسالاری رسید.

- هنگامه ضعف سامانیان، محمود، فرزند سبکتگین، در شهر غزنه حکومتی مستقل تأسیس کرد.

- سلطان محمد خوارزمشاه توسعه‌طلبی را وجهه همت خود قرار داد و با تسلط بر مناطق جدیدی، قلمرو خوارزمشاهیان را گسترش داد.

۱۱۰-

(میبیه مویی، حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر مغول - تیموری، صفحه ۱۲۳)

حکومت‌هایی که قبل از مغول بر ایران حکومت داشتند، شیوه‌های مالیاتی را که ترکیبی از سنت‌های ایرانی - اسلامی بود، پذیرفتند.

در اوایل دوران مغول‌ها، به دلایل مختلفی همچون گرایش اشرافیت نظامی مغول به بی‌نظمی و زیاده‌طلبی، بی‌توجهی حاکمان مغولی به قوانین اسلامی و بیگانگی آنان با سنت‌های ایرانی، نظام مالیاتی به هم ریخت و انواع و اقسام مالیات‌ها که شمار آن‌ها به دهها مورد می‌رسد، رواج یافت.



**مغرافیا (۲)**

۱۱۶-

(مهری کارران، **نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)**، صفحه ۱۰۹ و ۱۱۰)

- در بین روش‌های مختلف حمل و نقل (زمینی، هوایی و دریایی)، حمل و نقل دریایی جایگاه ویژه و ممتازی دارد. ۹۰ درصد تجارت جهانی از نظر وزن کالاهایی که جابه‌جا می‌شوند، از طریق حمل و نقل دریایی و توسط کشتی‌ها صورت می‌گیرد.  
- مناطق آزاد تجاری مناطقی هستند که در اصل برای توسعه صادرات یک کشور و رونق اقتصادی آن ایجاد می‌شوند.

۱۱۷-

(مبیه مبیی، **نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)**، صفحه ۹۱ و ۹۲)

الف) محصولات استوایی در مزارعی که به «پلاتیشن» معروف است، پرورش داده می‌شوند. پلاتیشن عبارت است از زمین‌های وسیع کشاورزی که به تولید یک محصول خاص اختصاص دارد.  
ب) برخی از تاجران ثروتمند، مزارع تجاری وسیع تک‌محصولی (پلاتیشن) را به‌ویژه در جنوب ایالات متحده احداث کردند.  
ج) شرکت‌های چندملیتی در خارج از مرزهای کشور مبدأ فعالیت می‌کنند.

۱۱۸-

(آذر نوری پروپدری، **نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)**، صفحه ۱۰۷)

برخورداری از صنایع نو؛ از ویژگی‌های کشورهای مرکز است. کشورهایمانند امریکای شمالی، اروپای غربی، ژاپن و استرالیا جزء کشورهای مرکز هستند. کشورهای پیرامون عمدتاً تولیدکننده و صادرکننده مواد اولیه و خام‌اند. از جمله کشورهای پیرامون در قاره‌های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین می‌توان به کشورهای افغانستان، بنگلادش، مراکش، نامیبیا، پرو و نیکاراگوئه اشاره کرد.  
از آنجا که کشورهای نیمه پیرامون بین مرکز و پیرامون قرار گرفته‌اند، بین آنها نقش واسطه را بازی می‌کنند و ساختار اقتصادی آنها دچار تغییرات و تحولات صنعتی و فناورانه شده است.  
از جمله کشورهای نیمه پیرامون می‌توان به چین، کره جنوبی و سنگاپور اشاره کرد.

۱۱۹-

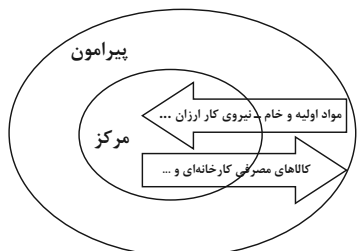
(بهرورز بیبی، **نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)**، صفحه ۹۲)

**تشریح عبارت‌های نادرست:**

ب) شعبه‌ها و کارخانه‌های مونتاژ در سایر نواحی (خارج از کشورهای پیشرفته صنعتی) ایجاد می‌شوند.  
ج) شرکت‌های چندملیتی، عمدتاً امریکایی و اروپایی هستند.

۱۲۰-

(مبیه مبیی، **نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)**، صفحه ۱۰۶ و ۱۱۰ و فعالیت صفحه ۱۱۳)



بندر آزاد تجاری شانگهای چین، رتبه نخست بنادر جهان از نظر تعداد جابه‌جایی کانتینر را دارد.

۱۱۱-

(مبیه مبیی، **نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)**، صفحه ۹۵)

کشورهای کره جنوبی، تایوان، مالزی و سنگاپور در چند دهه اخیر به تولیدکنندگان و صادرکنندگان مهم کالاهای صنعتی در جهان تبدیل شده‌اند.  
نواحی صنعتی ایالات متحده آمریکا بیشتر در شمال شرق و از کوه‌های آپالاش تا دریاچه‌های پنج‌گانه گسترده شده‌اند.

۱۱۲-

(مهری کارران، **نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)**، صفحه ۸۷ و ۹۲)

- مزارع غله تجاری معمولاً بسیار بزرگ‌اند و کاشت و برداشت محصول در آنها به صورت ماشینی انجام می‌شود. گاه، این مزارع به صورت یک شرکت یا اتحادیه بزرگ اداره می‌شوند.

- بیشتر پلاتیشن‌ها در نزدیکی سواحل دریا واقع شده است تا بتوان از کشتی‌ها برای صدور محصولات به سایر نواحی جهان استفاده کرد و امروزه صاحبان اغلب پلاتیشن‌ها، شرکت‌های بزرگ، به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی هستند و این مزارع به سرمایه‌گذاری زیاد نیاز دارند.

۱۱۳-

(آذر نوری پروپدری، **نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)**، صفحه ۸۹ و فعالیت ۹۰)

طبق گزارش فائو چین رتبه اول تولید گندم و برنج و هند رتبه دوم تولید گندم و برنج را داشته است. با توجه به گزارش شورای جهانی غلات ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۲ مهم‌ترین صادرکننده گندم و هند مهم‌ترین صادرکننده برنج بوده است.

۱۱۴-

(مهری کارران، **نواحی اقتصادی (کشاورزی و صنعت)**، صفحه ۸۴)

الف) کشاورزی تجاری به دنبال رشد جمعیت در جهان گسترش یافته است.  
ب) میزان تولید و سود اقتصادی در کشاورزی معیشتی کم است.  
ج) صید ماهی: کشاورزی / خرید و فروش: خدمات / جنگل‌داری: کشاورزی

۱۱۵-

(آزاده میرزائی، **نواحی اقتصادی (تجارت و اقتصاد جهانی)**، فعالیت صفحه ۱۰۸ و ۱۰۹)

الف) حذف یا پایین آوردن تعرفه‌های گمرکی و مالیات‌ها از جمله اهداف مشترک همه این اتحادیه‌هاست.

ب) کشور ما عضو اتحادیه منطقه‌ای اگو است.

پ) اتحادیه منطقه‌ای آ.سه.آن، در جنوب شرقی آسیا واقع شده است.

**جامعه‌شناسی (۲)**

۱۲۱-

(فروغ‌نهمی تیموریان، جهان دوقطبی، صفحه ۷۵)  
اگر جهان غرب با حل کردن چالش‌های پیشین، نیازهای مادی و معنوی آدمیان را برطرف می‌کرد، با چالش‌های بنیادین جدید مواجه نمی‌شد. چالش‌های ذاتی ریشه در عقاید و ارزش‌های درونی جهان اجتماعی دارند.

۱۲۲-

(آزاده میرزائی، ترکیبی، صفحه‌های ۷۶، ۷۷ و ۸۹)  
**تشریح عبارت‌های غلط:**  
ب: این گروه، چالش فقر و غنا را به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌کنند.  
پ: این نظر ریکاردو است نه مالتوس.

۱۲۳-

(مبیه مپی، جهان دوقطبی، صفحه ۷۹ و ۸۰)  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
گزینه ۲: بعد از انقلاب فرانسه، طرفداران نظریه‌های لیبرالیستی در طرف راست و منتقدان این نظریه در طرف چپ مجلس فرانسه قرار گرفتند. به همین سبب آن‌ها را با عنوان دو جریان چپ و راست می‌شناختند.  
گزینه ۳: مخالفان سرمایه‌داری که جریان چپ نام گرفته بودند، احزاب سوسیالیستی و کمونیستی را تشکیل دادند.  
گزینه ۴: حزب کمونیست شوروی با انقلاب سال ۱۹۱۷ م توانست قدرت را در روسیه به دست گیرد.

۱۲۴-

(مبیه مپی، جهان دوقطبی، صفحه ۸۰ و ۸۱)  
جوامع سوسیالیستی با انتقاد از لیبرالیسم اولیه، عدالت اجتماعی و توزیع مناسب ثروت را شعار خود قرار می‌دادند اما آن‌ها نیز با مشکلات اساسی مواجه شدند. رویکرد مارکس نسبت به عالم، رویکردی سکولار بود و در چارچوب همان بنیان‌های فرهنگ غرب به حل چالش‌های جامعه خود می‌پرداخت.

۱۲۵-

(فروغ‌نهمی تیموریان، جهان دوقطبی، صفحه ۷۹)  
تفاوت سوسیالیسم و کمونیسم: سوسیالیسم به مالکیت خصوصی معتقد است، (هرچند مانند نظام سرمایه‌داری آن را مطلق نمی‌داند). اما کمونیسم قائل به مالکیت خصوصی نیست.  
نقطه مشترک سوسیالیسم و کمونیسم: هر دو رویکرد جامعه‌گرا دارند و در مقابل فردگرایی قرار دارند.

۱۲۶-

(مبیه مپی، جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی، صفحه ۸۴)  
**تشریح گزینه نادرست:**  
گزینه ۱: «اگوست کنت، جامعه‌شناس فرانسوی معتقد بود که فاتحان در گذشته تاریخ، با غنایم جنگی بر ثروت خود می‌افزودند.

۱۲۷-

(بهزار انررز، ترکیبی، صفحه‌های ۸۴، ۸۵ و ۹۳)  
- علت خطا بودن نظریه کنت در مورد جنگ: وقوع دو جنگ بزرگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، خطا بودن نظریه کنت را نشان داد.  
- بحران موشکی کوبا جهان را تا آستانه جنگ جهانی سوم پیش برد.  
- پیامد عدم کنترل بحران اقتصادی: بحران اقتصادی در صورتی که کنترل نشود، می‌تواند به فروپاشی حکومت‌ها منجر شود.

۱۲۸-

(آزاده میرزائی، جنگ‌ها و تقابل‌های جهانی، صفحه ۸۶)  
از نظر هانتینگتون در آخرین مرحله درگیری‌ها در جهان معاصر، دولت - ملت‌ها بازیگران اصلی صحنه روابط بین‌الملل نیستند.

۱۲۹-

(ممبرابراهیم مازنی، بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی، صفحه ۹۲ و ۹۳)  
- چالش فقر و غنا چالشی همیشگی است ولی بحران اقتصادی اغلب دوره‌ای و مقطعی است.  
- آسیب‌های مربوط به بحران اقتصادی تمامی جامعه را دربرمی‌گیرد؛ در حالی که آسیب‌های مربوط به فقر و غنا همواره متوجه قشرهای فقیر و ضعیف جامعه است.

۱۳۰-

(ممبرابراهیم مازنی، بحران‌های اقتصادی و زیست‌محیطی، صفحه ۹۵ و ۹۶)  
پیمان باسل (جلوگیری از انتقال زباله‌های کشورهای صنعتی به کشورهای فقیر) برای مقابله با بحران زیست‌محیطی منعقد شده است.  
برخی از اندیشمندان، بحران‌های محیط زیست را ناشی از رویکرد انسان‌مدرن و فرهنگ معاصر غرب به طبیعت می‌دانند.

**فلسفه**

۱۳۱-

(ممبرعرفان هوشیاری، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۱ تا ۵۴)  
**تشریح مورد نادرست:**  
ب) عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چینش استدلال، به حقایقی برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند.

۱۳۲-

(ممبرعرفان هوشیاری، ابزارهای شناخت، صفحه ۵۵)  
معارف وحیانی از طریق وحی و به واسطه پیامبران در اختیار بشر قرار می‌گیرند. دریافت‌کننده وحی پیامبران الهی هستند.

۱۳۳-

(کوثر دستورانی، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۵۹)  
این نظریه مربوط به پارمنیدس است.

۱۳۴-

(کوثر دستورانی، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۰)  
سوفسطائیان معتقد بودند نه از راه حس و نه از راه عقل نمی‌توان به حقیقت رسید.

۱۳۵-

(رااهل بابائی صومعه‌کبودین، نگاهی به تاریخچه معرفت، صفحه ۶۱)  
فارابی و ابن‌سینا مانند افلاطون و ارسطو حس و عقل را معتبر می‌دانستند و برای شناخت وحیانی به عنوان راه شناخت ویژه پیامبران ارزش قائل بودند اما از شناخت شهودی در تبیین فلسفی خود استفاده نکرده‌اند.



۱۳۶-

(راهله بابائی صومعه‌کبوری، **نگاهی به تاریخچه معرفت**، صفحه ۶۲ و ۶۳)  
ملاصدرا شناخت عقلی و شهودی را در کنار معرفت وحیانی قرار داده و اثبات می‌کند که عقل و وحی تأییدکننده یکدیگرند و میان آن‌ها تضاد و تناقضی نیست.

۱۳۷-

(راهله بابائی صومعه‌کبوری، **نگاهی به تاریخچه معرفت**، صفحه ۶۳)  
بیکن فیلسوف تجربه‌گرا و از پیشگامان دوره جدید فلسفه در اروپا بود. وی دنباله‌روی فلاسفه گذشته از ارسطو را سبب عدم پیشرفت علوم تجربی می‌دانست.

۱۳۸-

(سیرممرضا آزرکسب، **نگاهی به تاریخچه معرفت**، صفحه ۶۵)  
یوزتیویست‌ها، مفاهیم و گزاره‌هایی که تجربه‌پذیر نیستند را بی‌معنا می‌دانستند.  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
گزینه «۱»: آن‌ها تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می‌دانستند و به راه دیگری برای رسیدن به شناخت قائل نبودند.  
گزینه «۳»: آن‌ها مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح را قابل بررسی علمی نمی‌دانستند.  
گزینه «۴»: اوگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم میلادی است.

۱۳۹-

(سیرممرضا آزرکسب، **نگاهی به تاریخچه معرفت**، صفحه ۶۶)  
در این دیدگاه، شناخت هر کس برای خودش اعتبار دارد.  
**توضیح نکات درسی:**  
در نسبی‌گرایی، اصل معرفت ممکن است، اما انتقال آن ممکن نیست.  
**تشریح گزینه‌های دیگر:**  
گزینه «۲»: مشکلاتی مانند ناتوانی تجربه در دستیابی به همه خصوصیات اشیاء سبب شد که واقع‌نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ظهور کنند.  
گزینه «۳»: بی‌مهری به تفکر عقلی، اشکالات نظری متعددی را پدید آورد. این مشکلات سبب شد که واقع‌نمایی دانش تجربی، بار دیگر با اشکال رو به رو شود و جریان‌های نسبی‌گرا در داخل تجربه‌گرایی ظهور کنند.  
گزینه «۴»: نسبی‌گرایی در معرفت‌شناسی، به تدریج در حوزه‌هایی مانند انسان‌شناسی، دین، اخلاق و حقوق خود را نشان داد.

۱۴۰-

(ممرعمرخان هوشیاری، **نگاهی به تاریخچه معرفت**، صفحه ۶۷)  
عبارت‌های بیان شده در گزینه «۲» صحیح هستند.

روان‌شناسی

۱۴۱-

(وفیر دهقان، **تفکر (۲) تصمیم‌گیری**، صفحه ۱۴۵ تا ۱۴۷)  
سبک تصمیم‌گیری منطقی، بهترین شیوه تصمیم‌گیری است. زیربنای این تصمیم‌گیری اندیشیدن، مشورت گرفتن و بررسی تمام گزینه‌ها به صورت منطقی است.  
در سبک تصمیم‌گیری اجتنابی، فرد قصد دارد تصمیم بگیرد ولی هیچ‌گاه تصمیم‌وی عملی نمی‌شود و دست، دست می‌کند.  
تصمیم‌گیری وابسته اطاعت کورکورانه از دیگران است. در این سبک فرد بخاطر دیگران تصمیم می‌گیرد.

۱۴۲-

(وفیر دهقان، **تفکر (۲) تصمیم‌گیری**، صفحه ۱۴۳)  
در سبک تصمیم‌گیری تکانشی فرد به صورت ناگهانی و با عجله و بدون محاسبه تصمیم می‌گیرد. در میان نوجوانان این‌گونه تصمیم‌گیری، بلافاصله با پشیمانی همراه است. قتل‌های ناگهانی و بدون نقشه قبلی هم از اثرات تصمیم‌گیری‌های تکانشی است.

۱۴۳-

(وفیر دهقان، **تفکر (۲) تصمیم‌گیری**، صفحه ۱۴۴ تا ۱۴۶)  
در سبک تصمیم‌گیری احساسی، ملاک تصمیم‌گیری عواطف و هیجانات زودگذر است. سبک تصمیم‌گیری وابسته اطاعت کورکورانه از دیگران است. در این سبک فرد بخاطر دیگران تصمیم می‌گیرد.

۱۴۴-

(آزاده میرزائی، **تفکر (۱) حل مسئله**، صفحه ۱۱۹ و ۱۲۰)  
مرحله ارزیابی راه‌حل: باید راه‌حل انتخاب شده را ارزیابی کرد. این کار باعث می‌شود تا ملاک روشنی برای فهم موقعیت داشته باشیم.  
مرحله تشخیص مسئله: در تشخیص مسئله، بهتر است دیگران نقش راهنما داشته باشند.

۱۴۵-

(آزاده میرزائی، **تفکر (۱) حل مسئله**، صفحه ۱۲۱ و ۱۲۳)  
اثر نهفتگی به اثر نادیده گرفتن حل مسئله برای مدت زمانی مشخص گفته می‌شود. تجربه گذشته بر توانایی ما در حل مسئله تأثیر می‌گذارد. کسی که روش‌های حل مسئله را می‌داند، در موقعیت‌های جدی از آنها برای حل مسئله استفاده می‌کند. تأثیر یادگیری‌های گذشته بر حل مسئله را «انتقال» گویند.

۱۴۶-

(هژبر رحیمی، **تفکر (۲) تصمیم‌گیری**، صفحه ۱۳۸)  
توجه به موضوع انتخاب‌ها، سروکار داشتن با اولویت‌ها، انتخاب بهترین اولویت مربوط به تصمیم‌گیری و توجه به یافتن راه‌حل‌ها، سروکار داشتن با راه‌حل‌ها و انتخاب راه‌حل منتهی به حل مسئله، مربوط به بخش حل مسئله است.

۱۴۷-

(کوثر دستورائی، **تفکر (۱) حل مسئله**، صفحه ۱۳۰ و ۱۳۱)  
بسیاری از افرادی که احساس شکست می‌کنند، مشکلات عاطفی جدی ندارند، بلکه مهارت‌های حل مسئله را نمی‌دانند.

۱۴۸-

(کوثر دستورائی، **تفکر (۱) حل مسئله**، صفحه ۱۲۶ تا ۱۲۹)  
الف) در این مورد، مسئله بزرگ ما یعنی دروغ‌گویی به چندین مسئله کوچک تقسیم شده است. (هر روز یک دروغ کمتر، حذف دروغ به شوخی، حذف دروغ‌های کوچک): روش خرد کردن مسئله  
ب) در این مورد ابتدا مسئله را تشخیص داده‌ایم، سپس راه‌حل‌های مختلف و متعدد ارائه کرده و بعد از آن به بهترین راه‌حل رسیدیم: روش بارش مغزی  
ج) خیاط برای طراحی لباس از انتها گام به گام حرکت کرده است: مهندسی معکوس

۱۴۹-

(موسا عفتی، **تفکر (۱) حل مسئله**، صفحه ۱۱۸)  
در مثال حاضر، تنها موقعیت اولیه به خوبی شناسایی شده است و شاخص‌های دیگر به روشنی مشخص نشده‌اند.

۱۵۰-

(موسا عفتی، **تفکر (۱) حل مسئله**، صفحه‌های ۱۱۴ تا ۱۱۷ و ۱۱۹)  
**تشریح عبارت‌های نادرست:**  
الف) مسئله‌هایی که در علوم انسانی با آن‌ها مواجه هستیم، عمدتاً از نوع بدتعریف شده هستند.  
ب) به‌کارگیری اصطلاح تفکر بدون آگاهی یا تفکر ناخودآگاه نادرست است؛ زیرا تفکر کاملاً آگاهانه است.  
د) مسئله عبارت است از عدم دستیابی فوری به یک هدف مشخص به دلیل موانع مشخص با توجه به امکانات و توانمندی‌های محدود.  
ه) بسیاری از مردم از واژه مسئله تصور مثبتی ندارند؛ زیرا راه‌حل آن مسئله را نمی‌دانند.